###### 28

###### آزاد.jpeg

**دانشگاه آزاد اسلامي**

**واحد کرج**

**موضوع:**

**بررسي رغبت هاي شغلی دانش‌آموزان دختر ناشنوا و عادي شهر كرج**

**استاد راهنما:**

**نگارش:**

# فهرست

## **چكيده تحقيق**

**فصل اول:**

**مقدمه**

بيان مسئله

فرضيه تحقيق

هدف تحقيق

فايده و اهميت تحقيق

ضرورت اجراي تحقيق

عوارض مشكل مورد تحقيق

تعريف اصطلاحات و متغيرهاي تحقيق

**فصل دوم:**

تاريخ تعليم و تربيت كرولالها در جهان و ايران

روشهاي آموزش و پرورش دانش‌آموزان ناشنوا

تشريح و فيزيولوژي دستگاه شنوايي

 نظريه‌هاي مختلف در رشد زبان

تئوري مربوط به رغبت

پيشينه تحقيق

**فصل سوم:**

جامعه تحقيق

نمونه تحقيق

روش نمونه‌برداري

ابزار تحقيق

اعتبار يا پايايي تست

روايي

### قصل چهارم

محاسبات آماري

جدول توزيع فراواني سئوالات(21-1)

**فصل پنجم:**

خلاصه يك تا چهار

پيشنهادات و محدوديتهاي تحقيق

منابع تحقيق

پرسشنامه

چکیده

بطور كلي هدف از اين پژوهش مقايسه و برسي رغبتها و گرايشات شغلي بين دانش‌آموزان دبيرستاني عادي و ناشنوا مي‌باشد. اهميت اين پژوهش از آن جهت است كه با در نظر گرفتن تفاوتهاي فردي و گرايشات مختلف افراد بتوان ملاكهايي را كه براي هر فرد در هر كشور و با هر فرهنگي مهم مي‌باشد تعيين نمود.

فرض صفر در اين تحقيق اين است كه تفاوتي بين رغبتهاي شغلي دانش‌آموزان عادي و ناشنوا وجودندارد جامعه تحقيق در اين پژوهش شامل دانش‌آموزان دختر عادي ناشنوا دبيرستاني مي‌باشد و نمونه تحقيق شامل 50 نفر عادي و 5 نفر ناشنوا مي‌باشد.

روش نمونه‌برداري به صورت نمونه‌برداري كومه‌اي يا دردسترس است كه بدليل راحتي و در دسترس بودن دانش‌آموزان از اين روش استفاده مي‌گردد.

ابزار تحقيق در اين پژوهش پرسشنامه ارزش شغلي سوپر مي‌باشد پس از اجراي آزمون از آزمودنيها براي مقايسه و بررسي دو گروه عادي و ناشنوا از محاسبات آماري و آزمون در مجذور خي استفاده مي‌گردد فرص صفر در اين آزمون بيان مي‌كندكه يك متغير از متغير ديگري تأثير نمي‌پذيرد و يا تفاوتي با آن ندارد پس از اجراي آزمون بر تك‌تك پرسشهاي اين پرسشنامه نتيجه بدين شرح بدست مي‌آيد:

**دانش‌آموزان عادي و ناشنوا در موارد زير با هم متفاوتند:**

1. ضرورت داشتن ابتكار و خلاقيت براي حل مشكلات شغلي
2. امكان پيشرفت در شغل
3. پرداختن به شغلي كه به قدرت هنري نياز دارد.
4. دائمي بودن شغل
5. پرداختن به شغلي كه به توانايي ذهني نياز دارد.

در ساير موارد ملاكهاي پرسشنامه دانش‌آموزان عادي و ناشنوا يكسان بوده و هيچ تفاوتي مشاهده نگرديد.

#### فصل اول

### مقدمه

يكي از عوامل مهم تحول و نوسازي جامعه آموزش و پرورش مي‌باشد بسياري از صاحب نظران امور تربيتي با اين سؤال مواجه هستند كه چگونه مي‌توان روندهاي فرسوده آموزشي را تغيير داده نطام آموزش و پرورش را بهبود بخشيد. نظام تربيتي در تغيير رفتار و هدايت نسل جوان همواره با آينده سروكار دارد بطوريكه هر چه دورانهاي آينده در نظر برنامه نويسان و مربيان آموزش و پرورش روشنتر باشد فعلايتهاي تربيتي و با كيفيت بهتر انجام گرفته و نتيجه مطلوبتري بدست مي‌دهد به همين جهت در جهان كنوني هيچ كشوري نيست كه در زمينه آموزش و پرورش به مطالعه نيازمنديها و ارزشهاي انساني در آينده نپردازد وكوركورانه يا بر اساس نيازها و ارزشهاي رايج زمان به تنظيم برنامه‌هاي آموزشي دست بزند.

بطوركلي روشهاي جديد تعليم و تربيت مطالعه واقعيتها را در اطراف موضوعاني كه براي شاگردان جالب است سازمان مي‌دهد هدف اين روشها تربيت به مهمترين وجه ممكن است اين نوع تربيت تنها متضمن آنچه كه تدريس مي‌شود نيست بلكه شامل چگونگي توجه به علاقه و جلب علاقه دانش‌آموزان به درس خواندن نيز مي‌باشد. مقصود اين نيست كه مهمترين و با استعدادترين شاگردان از آموزش استفاده كنند بلكه برنامه بايد با توجه به آمادگيهاي فردفرد شاگردان تنظيم گردد تا همه بتوانند و از آن بهره بگيرند. برنامه آموش بايد بنجوي تنظيم گردد كه در عين حال كه شاگردان را از آموزش برخورد در نمايد علاقه به يادگيري را نيز در آنان تقويت كند.

بسياري از مربيان تعليم و تربيت استدلال مي‌كنند كه اگر دانش‌آموزان براساس علاقه خود آموزش ببينند و رشته تحصيلي را با توجه به علاقه خود انتخاب كنند موفقيت بيشتري كسب مي‌كنند و به اين ترتيب از اتلاف وقت و نيروي آنان جلوگيري خواهد شد. به اين منظور شناسايي علائق دانش‌آموزان امري ضروري است شناخت علائق يكي از جنبه‌هاي مهم براي درك موقعيتهاي يادگيري شاگردان است و يكي از موقعيتهاي يادگيري پيشرفت تحصيلي است.

دانش مربوط به علائق شاگرد براي مربي اهميت زياد دارد چون از طرفي شاگرد را بهتر مي‌شناسد و سطح دانش او را براساس اين شناسايي بالاتر مي‌برد واز طرف ديگر او را با رشته‌هاي تحصيلي مشاغل و حرفه‌هاي مختلف آشنا مي‌كند به اين ترتيب مربي هم به جنبه فردي – احساسي و هم جنبه تحصيلي – حرفه‌اي شاگرد توجه مي‌كند از سوي ديگر رشد سريع تكنولوژي و پيشرفتهاي علمي و فني قرون اخير. تحولات ژرفي را در زمينه‌هاي اجتماعي و اقتصادي پديد آورده است. در مملكت ما نيز اين تحولات و تغييرات در تمام شئون زندگي اثر گذاشته و امكانات تازه‌اي را سبب گشته است.

روي همين اصل افراد به انتخاب بجا و سنجيده شغل آينده‌شان براساس علائق و استعدادهاي خود توجه بيشتري مبذول مي‌دارند تا علاوه بر تأمين آينده‌اي بهتر و بهره‌مندي هر چه بيشتر از امكانات ياد شده بتوانند اوقات كار خود را به صورتي مطبوع و دلپذير درآورند.

در عصر تكنولوژي و صنعت آموزش و پرورش باتربيت نيروي كارآمد مي‌تواند پيروزي‌هاي سياسي و اقتصادي و اجتماعي را نصيب ملت نمايد.

رشد سريع تكنولوژي آموزش و پرورش را نيازمند گسترش كمي و كيفي مي‌نمايد و برنامه‌هاي قالبي و محدود ديگر قادر به همگامي با سرعت مضاعف تكنولوژي نخواهد بود. در زندگي و تمدن مبتني بر كشاورزي و دامداري سرنوشت شغلي هر فرد معلوم بود و معمولاً شغل پدر را فرزندان به ارث مي‌برند در چنين شرايطي نه سنجش علافه مطرح بود و نه در نظرگرفتن استعداد و نه راهنمايي شغلي، ولي در عصر حاضرمسأله به اين سادگي نيست فرصتهاي شغلي فراوان و گوناگون و وجود حالت ترديدزا و سرگرداني جهت انتخاب شغل و كوشش براي بكار گماردن بهترين فرد براي هر شغل لزوم توجه به علائق و خصوصيات و استعدادهاي افراد براي انتخاب يك شغل متناسب بيشتر از هر زماني جلوه‌گري مي‌كند.

**بيان مسأله:**

امروزه آموزش و پرورش هر كشوري سعي در پرورش و بارآوردن افرادي دارد كه بتواند با سيستم جامعه و همچنين با توجه به علاقه و رغبت خود كار مورد علاقه‌شان را پيدا كرده و بعنوان فرد مطلوب در جامعه فعاليت نمايند. اين امر در جهان در حدود سال 1914 . م شروع شده است. از طرف ديگر آموزش و پرورش ناشنوايان حدود چهارصد سال و در ايران حدود هفتاد سال سابقه دارد. اما هنوز آموزش و پروش نتوانسته پاسخگوي بسياري از سؤالات گروه علي‌الخصوص در زمينه راهنمايي شغلي و حرفه‌اي هنوز سئوالات زيادي بدون پاسخ مانده‌اند

توجه به رغبتهاي كودكان از زمان تحول درآموزش و پرورش ايجاد گشته و با جايگزيني آموزش و پرورش فعال اين توجهات روز‌به روز بيشتر مي‌شود.

قابل ذكر است كه براساس تعريف ارائه شده در فرهنگ عميد رغبت عبارتست از: خواستن، ميل داشتن، دوست داشتن، علاقه، ميل، اراده و آرزو. همچنين در فرهنگ لغت وبستر رغبت عبارتست از: تحريكي احساساتي كه با توجه به علاقه نسبت به چيزي توأم باشد رغبت زماني ايجاد مي‌‌شود كه انسان چيزي را دوست بدارد و آن شئي را مورد توجه قرار دهد و مشاهده كند يا درباره آن چيز بيانديشد و سرانجام از آن لذت ببرد بعبارت ديگر مي‌توان گفت كه رغبتها همان ترجيح و دوست داشتني‌هاي انسان است در لحظه معيني از زمان.

با توجه به اينكه در اين تحقيق انواع ناشنواها بطور جداگانه مورد بررسي قرار نگرفته‌اند بنابراين بادي گفت كه: ناشنوا فردي است كه بنابر عللي و با درجات مختلفي از جس شنوايي خود محروم شده و هم اكنون در مدارس مخصوص ناشنوايان تحصيل مي‌كند.

در كشور ما اين مسأله يعني توحه به رغبتهاي كودكان و جايگزيني آموزشي و پرورشي فعال. هنوز در مدارس عادي كمتر بچشم مي‌خورد و در جامعه محدود ناشنوايان نيز اين امر هنوز مورد توجه قرارگرفته است. به جهت روشن نمودن يكي از اين سئوالات دست به تحقيق زده مي‌شود و طي آن يك آزمون( پرسشنامه شغلي) بين كودكان ناشنوا و افراد عادي اجرا مي‌گردد.

در اين تحقيق مي‌خواهيم روشن كنيم كه آيا:

**» بين رغبتهاي شغلي دانش‌آموزان عادي و دانش‌آموزان ناشنوا تفاوتي وجود دارد؟«**

**فرضيه تحقيق:**

رغبت‌هاي شغلي دانش‌آموزان ناشنوا با رغبتهاي دانش‌آموزان شنوا متفاوت نيست.( عدم تفاوت).

**هدف تحقيق:**

هدف تحقيق اولاً: انجام كاري عملي است تا بتواند يافته‌اي بر يافته‌هاي ديگر بيافزايد.

ثانياً: مي‌تواند كاربردي براي والدين و مربيان و دست‌اندركاران نظام آموزش و پرورش اين كودكان داشته باشد. تحقيق حاضر مي‌تواند مربيان و مسئولين امر را از اهميت و تأثير ناشنوايي بررغبتهاي شغلي اين كودكان آگاه ساخته و روشهاي مناسب جهت راهنمايي و ارائه راه‌حلهاي مناسب را به دست دهد. نكته قابل توحه در تحقيق حاضر يافتن نظام آموزشي و تعليمي مناسب بمنظور فراهم آوردن زمينه‌هاي مساعد در جهت برگزيدن شغلي منانسبشان است.

**فايده و اهميت تحقيق:**

اين تحقيق از آن جهت داراي اهميت است كه با در نظرگرفتن تفاوتهاي فردي و تمايلات و گرايشات مختلفي كه در هر فرد وجود دارد و اينكه اين گرايشان در اثر عوامل مختلف وراثت و محيط و نقايص عضوي و فرهنگ و شيوه‌هاي تربيتي خاص موجود در خانواده‌ها كه ممكن است متفاوت باشد تمايلات و گرايشات مختلف در انتخاب شغل نيز در انواع مختلف انسانها متفاوت است.

اين مسأله بخصوص در مورد دو جنس زن و مرد يا دو گروه انسان عادي و ناهنجار بطور قابل ملاحظه‌اي مشهود است. علم به اين مسأله و آگاهي از اين تفاوتها. افراد، بخصوص جوانان جامعه ما را در دسترس پيدا كردن به شغل مناسب و خودكفايي ياري مي‌دهد مربيان آموزشي و همچنين اولياء نوجوانان با آگاهي به اين مسائل مي‌توانند نوجوانان خود را از اين مشكل بزرگ يعني انتخاب شغل مناسبتر رهايي بخشد. چون وجود نقايص عضوي مي‌تواند سدراهي براي رسيدن به بعضي از مشاغل از قبيل مشاغلي كه با چشم در ارتباط است در افراد نابينا و يا مشاغلي كه در ارتباط با كلام يا شنوايي مي‌باشد در افراد ناشنوا باشد. پس با علم و آگاهي به اين مسائل و مشكلات و اينكه هر فرد با توجه به امكانات و ويژگيهاي شخصيتي و رواني كه دارد بهتر است چه شغلي را انتخاب نمايد من اين موضوع را انتخاب كردم تا شايد بتوانم با تحقيق كوچك خود حداقل كاري را در قبال جامعه و افراد جامعة خود انجام داده باشم.

**ضرورت اجراي تحقيق:**

همانطوريكه قبلاً ذكر گرديد راهنمايي حرفه‌اي در جهان هم اكنون سابقه هفتاد وئ هفت ساله دارد با نگاهي به اين سابقه مي‌بينيم كه در كشور ما هنور راهنمايي حرفه‌اي نتواسنته است حتي يك دهه درخشاني داشته باشد. با توجه به اينكه هدف اصلي اين تحقيق در جهت راهنمايي حرفه‌اي دانش‌آموزان ناشنوا صورت گرفته بنابراين لزوم فعاليت هر چه بيشتر آموزش و پرورش و تغيير سيستم آموزشي يا تقويت آموزش موجود در اينجا ضرورت پيدا مي‌كند.

بحث را كمي تخصصي‌تر كنيم. آموزش و پرورش ناشنوايان با شروع راهنمايي حرفه‌اي در جهان، در ايران شروع شده است اگر ما آموزش و پرورش استثنايي را چنين تعريف كنيم كه:

آموزش و پرورش استثناتيي بخ جنبه‌هايي از تعليم و تربيت گفته مي‌شود كه جنبه‌هاي استثنايي و فوق‌العاده در آن رعايت شده باشد(روانشناسي استثنايي، دكتر غلامعلي افروز- صفحه 18).

با توجه به تعريف فوق ما در ادعاي خود مبني بر سابقه آموزش و پرورش ناشنوايان كمي ترديد به خود راه مي‌دهيم. در وايع مسأله توجه به رغبتهاي افراد هنوز در مدادس عادي شكل نگرفته است. راهنمايي آموزشگاهي د رحدود بيست‌و پنج سال پيش در ايران شروع شد و به عنوان مقطعي بين مقطع ابتدايي و متوسطه مطرح گرديد. با توجه به اينكه در كشورهاي پيشرفته علي‌الخصوص كشور فرانسه اين مقطع ضمن ارائه راهنمايي آموزشگاهي، راهنمايي حرفه‌اي را نيز در مدارس انجام مي‌داد. اين كشورها پيشرفت شاياني پيدا كردند. اما در كشور ما متأسفانه اين مقطع بعنوان يك الگوي ساخته شده و بدون تحول باقي مانده و تنها نامي به عنوان دورة راهنمايي برجا گذاشت. نظام آموزشي تغيير يافت و پرسشنامه‌هاي زيادي نيز در شروع اين برنامه پر شدند. اما پس از گذشت چند سال اين مقطع نتوانست تحولي را در آموزش بوجود آورد.

راهنمايي حرفه‌اي كه بدنبال راهنمايي آنموزشگاهي مطرح مي‌گردد تنها بعنوان شعارهايي بيان شدند، اما هيچوقت جامة عمل نپوشيد اگر ما بخواهيم كودك يا بهتر بگوئيم دانش‌آموز پيشرفت داشته نمايد بايد انگيزه‌ها، علائق و ميزان هوشبر او را در نظر بگيريم توجه به تفاوتهاي فردي در واقع همين نكته را مي‌رساند. درست است كه حتي دردنيا دو نفر انسان را نمي‌توان يافت كه از تمامي جهات( ذهني – عاطفي و جسماني) شبيه باشند اما در كودكان استثنايي اوضاع فرق متفاوت است. در واقع تفاوتها در اينجا برخي كاملاً نمايان و بعضي ديگر در ژرفاي زياد بوده و نيازمند تحقيقات بيشتر مي‌باشد.

در جامعه ما ايران ناشنواياني كه به دانشگاه راه مي‌يابند اندك هستند و حتي بسياري از آنها د نيمه‌هاي تحصيل، مدرسه را وداع گفته و به كارهايي روي مي‌آورند كه بتوانند درآمد مختصري داشته باشند. شايد اوضاع فعلي كشور ما اين مسأله را ايجاب نمايد اما با نگاهي به قبل از اوضاع فعلي مي‌توان فهميد كه فعاليتهاي ناشنوايان مربوط به اوضاع نبوده و از ديرباز چنين بوده است.

اين حقير با تجارب بسيار اندك خود در آموزش اين قشر بر آن شدم كه قدمي در راه شناخت هر چه بيشتر اين كودكان بردارم شايد بدينوسيله شروعي بر زندگي بي‌فروغ آنان حاصل گردد.

**» عوارض مشكل مورد تحقيق«**

همانطويكه مي‌دانيم همه انسانها براي آنكه در ابعاد جسمي و ذهني ، رواني، اجتماعي و خلاقي بطور درست و متعادل رشد كنند در زمينه‌هاي گوناگون و در همة زمانها به راهنمايي نياز دارند. راهنمايي عبارت است از» مجموعه فعاليتهاي مستمر و منظمي كه از جانب شخصي آگاه انجام گيرد و بدان وسيله خود و عوامل محيط را مي‌شناسد و مي‌تواند در زمينه‌هاي گوناگون تصميمات درست و نطقي اتخاذ كند و توانايي بالقوه‌اش را شكوفا سازد« .

از طريق راهنمايي به فرد كمك مي‌شود تا با شناخت توانائيها، رغبتها و استعدادها و محدوديتهاي خويش و آگاهي از نيازها و امكانات جامعه تصميم درست و مناسبي در زمينه‌هاي گوناگوني ايجاد كند و همچنين از نيازهاي شغل جامعه و چگونگي ارتباط رغبتها و استعدادهاي خود با مشاغل گوناگون آگاه شوند و در نهايت شغل مناسبي را انتخاب نمايد.

رغبت عبارت از» ميل و آرزو و خواستن كسي يا چيزي است.« رغبت انگيزه مهمي براي تلاش و حركت و هرچه فرد بالغ‌تر مي‌گردد رغبتهايش توسعه و واقعيت بيشتري مي‌يابند. حال اگر چنانچه فرد به رغبتهايش واقف گردد انتخاب شغلش مناسبتر خواهد بود براي انتخاب شغل مناسب بايد به خود فرد كمك شود تا رغبت خود را بشناسد بداند كه چه مشاغلي را دوست دارد. و از چه مشاغلي خوشش نمي‌‌آيد از اين طريق است كه مي‌تواند به شغل مور دنظرش دست يابد و در آن موفقيت كسب كند. در غير اينصورت نه تنها منوفقيتي حاصل نمي‌گردد بلكه شخص سرخورده و نااميد گشته و بدون هدف و انگيزه عمل مي‌كند شخص با انتخاب شغلي كه لازمه آن استفاده از قواي خويش و احتياج به حداقل توانائيهاي اوست احتمال موفقيت خود را افزايش مي‌دهد شناخت رغبتها و استعدادهاي خويش و انتخاب شغل به طرق زيركانه‌اي نظام ارزشها، آرمانها، حدنصابها، و سلوك روزانه فرد را تغيير مي‌دهد و در تعيين نوع شخصيتي كه وي خواهد شد، مدد مي‌كند. كار در تعيين وض اجتماعي و اقتصادي خانواده بطوركلي مؤثر است و همچنين كار در سلامتي رواني و بدني فرد تأثير مي‌گذارد. با اين توضيحات روشن مي‌گردد كه توجه به رغبت و علاقه فرد در انتخاب شغل چقدر مهم بوده و باعث موفقيت يا عدم موفقيت وي در زندگي مي‌شود.